از آنِ خداست آنچه بدهد و بگیرد. و همه چیز نزد او مهلت و زمان مشخّصی دارند پس باید صبر کند و امید ثواب داشته باشد.

از اسامة بن زيد بن حارثه رضی الله عنهما روایت است که می گوید: دختر رسول الله صلی الله علیه وسلم پیکی برای پدرش فرستاد که فرزندم در حالِ مرگ است؛ پیشِ ما بیایید. رسول الله صلی الله علیه وسلم از طریق قاصد دخترش به او سلام رسانده و به قاصد فرمود به او بگوید: «إِنَّ لِلَّه ما أَخَذ ولَهُ ما أَعطَى، وكلُّ شَيءٍ عِنده بِأَجَل مُسمًّى فَلتَصبِر ولتَحتَسِب»: «از آنِ خداست آنچه بدهد و بگیرد. همه چیز نزد او مهلت و زمان مشخّصی دارند. پس صبر کند و امید ثواب داشته باشد». دخترِ رسول الله صلی الله علیه وسلم برای بار دوم قاصدی فرستاد و سوگندش داد که حتماً بیاید. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه سعد بن عباده و معاذ بن جبل و ابي بن كعب و زيد بن ثابت و چند تن دیگر از یارانش نزد دختر خود رفت که دختر ایشان بچه را به رسول الله صلی الله علیه وسلم داد درحالی که نفسش تند می زد و سینه اش بالا و پایین می رفت. رسول الله صلی الله علیه وسلم بچه را در آغوش گرفت و اشك از چشمانش سرازیر شد. سعد رضي الله عنه گفت: ای رسول خدا، این چیست؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هَذِهِ رَحْمَةٌ يَضَعُهَا اللَّهُ فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ»: «این رحمتی است که الله متعال در دل بندگانش نهاده است». و در روایتی آمده که فرمود: «فِي قُلُوبِ مَنْ شَاء مِنْ عِبَادِهِ، وَإِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الرُّحَمَاءَ»: «این رحمتی است که الله متعال در دل هر بنده ای که بخواهد، قرار می دهد و الله به بندگانی رحم می کند که رحم و شفقت داشته باشند».

[صحیح است] [متفق علیه]

اسامة بن زيد رضی الله عنهما روایت می کند که یکی از دختران رسول الله صلی الله علیه وسلم پیکی را نزد ایشان فرستاد تا اطلاع دهد پسرش در حال احتضار و جان کندن است؛ و از رسول الله صلی الله علیه وسلم می خواهد که نزد او بیاید؛ پیک وی پیامش را به رسول الله صلی الله علیه وسلم رساند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی فرمود: "برو و به دخترم بگو باید صبر کند و امید پاداش و ثواب داشته باشد. از آن الله است آنچه بدهد و بگیرد؛ و هر چیزی نزد او زمان و مهلت مشخصی دارد." رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را که دخترش فرستاده، دستور می دهد دخترش را به این موارد امر کند: صبر کردن بر این مصیبت و امید پاداش و ثواب داشتن در برابر صبری که می کند. چون برخی از مردم صبر می کنند اما امید ثواب و پاداش در برابر آن ندارند. اینکه می فرماید: «إِنَّ لِلَّه ما أَخَذ ولَهُ ما أَعطَى» جمله ی بزرگی است؛ چون وقتی همه چیز از آن الله باشد، اگر چیزی از انسان بگیرد، مالک آن می باشد و اگر چیزی به انسان بدهد نیز مالک آن است. حال چگونه انسان می تواند به سبب آنچه الله متعال از او گرفته و مالک آن است، خشمگین شود؟ به همین دلیل سنت است که هنگام مصیبت "إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ" گفته شود به این معنا که ما ملک الله هستیم که هر چه بخواهد با ما می کند و چون آنچه را دوست داریم از ما بگیرد، درواقع از آن الله می باشد؛ چراکه اساسا آنچه الله بدهد و بگیرد از آن اوست. حتی آنچه الله متعال به تو می دهد، مالک حقیقی آن نیستی بلکه مالک واقعی آن الله است؛ به همین دلیل نمی توانی در آنچه به تو می دهد، به هر صورت که بخواهی تصرف کنی؛ بلکه باید به شیوه ای که خود اجازه داده در آن تصرف کنی. و این دلیلی بر آن است که مالکیت ما در آنچه الله متعال به ما می دهد، مالکیتی ناقص است و به صورت مطلق نمی توانیم در آن تصرف داشته باشیم. و به همین دلیل است که می فرماید: «از آن الله است آنچه می دهد و می گیرد». و زمانی که آنچه الله متعال می گیرد از آن اوست، چگونه می توانیم بی تابی کرده و داد و فریاد کنیم؟ چگونه می توان در برابر گرفتن مالی توسط مالکش خشمگین شد؟ این عاقلانه نبوده و خلاف منقول است. در ادامه فرمود: "همه چیز نزد او زمان و مهلت مشخصی دارد". چون انسان به این مساله یقین پیدا کند که آنچه الله بگیرد و بدهد، از آن اوست و همه چیز نزد او زمان و مهلت مشخصی دارد، قناعت می کند. و جمله ی اخیر به این معناست که انسان نمی تواند آنچه برای وی مقدر و مکتوب شده تغییر داده و باعث تقدیم و تاخیر آن شود. چنانکه

الله متعال می فرماید: «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلا يَسْتَقْدِمُون»: «هر امتی اَجَلی دارد و آنگاه که اجل شان به سر آید، نه ساعتی [از آن] تأخیر می کنند و نه پیشی می گیرند». بنابراین در صورتی که چیزی مقدر باشد، پس و پیش نمی شود و داد و فریاد و بی تابی و خشم و ناراحتی سودی ندارد؛ زیرا اگر انسان بی تابی و داد و فریاد کند یا خشمگین شود، باز هم آنچه مقدر شده تغییر نمی کند. در ادامه قاصد مذکور پیام رسول الله صلی الله علیه وسلم را به دختر ایشان می رساند اما دختر ایشان دوباره قاصد را به دنبال رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرستد تا نزد وی بیاید؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه تنی چند از اصحاب به سوی وی حرکت می کند و با رسیدن ایشان، دخترشان بچه را درحالی به پیامبر می دهد که نفسش بالا و پایین می رود و رسول الله صلی الله علیه وسلم با دیدن این صحنه می گرید و اشک از چشمانش سرازیر می گردد؛ به همین دلیل سعد بن عباده گمان می کند رسول الله صلی الله علیه وسلم از روی بی تابی گریه می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «این گریه از باب رحم و دلسوزی نسبت به آن بچه است نه از باب بی تابی در برابر آنچه مقدر شده است؛ سپس می فرماید: «الله به بندگانی رحم می کند که رحم و شفقت داشته باشند». و این دلیلی بر جواز گریه کردن از روی رحمت و دلسوزی به سبب مصیبت می باشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3290